



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز مطالبی را در مورد اینکه حمل در صورتی ارث می برد که زنده به دنیا بیاید عرض کردیم و امروز روایات مربوط به آن را می خوانیم که در باب ۷ از ابواب فرائض و موارث کتاب وسائل الشیعة ذکر شده اند و عنوان باب این است: "أن الحمل يرث ويورث إذا ولد حيا، ويعرف بأن يصيح أو يتحرك حركة اختيارية، ولا يرث من دون ذلك، وحكم ميراث الودية".

خبر اول: ﴿عنه بن يعقوب، عن حميد بن زياد، عن الحسن بن محمد بن سماعة عن محمد بن زياد يعني ابن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان في ميراث المنفوس (بچه ای که تازه به دنیا آمده و تا حدی بدنش به خون نفاس آلوده است) من الودية قال: لا يرث شيئا حتى يصيح ويسمع صوته. ورواه الشيخ كما يأتي.﴾^۱

کلینی از طبقه ۹ و موثق می باشد، حمید بن زیاد از طبقه ۸ و بسیار موثق است و ۱۵۴ مورد نام او در اسناد روایات واقع شده است، حسن بن محمد بن سماعة واقفی المذهب است ولی ثقة است و از طبقه ۷ می باشد، محمد بن زیاد همان ابن ابی عمیر است که از طبقه ۶ و در اعلى درجه وثاقت قرار دارد، عبد الله بن سنان نیز از طبقه ۵ و بسیار جلیل القدر است و در عین حال که شیعه بوده خزانه دار منصور و هارون الرشید نیز بوده، خبر سنداً خوب است.

خبر دوم: ﴿وعن علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن ابن عون، عن بعضهم عليهم السلام قال: سمعته

يقول: إن المنفوس لا يرث من الودية شيئا حتى يستهل (صوت الصبي عند الولادة) ويسمع صوته.﴾^۲

ابن عون توثیق نشده، آیت الله خوئی در آخر معجم رجال حدیث فصلی در اسامی مصدر به أب و مصدر به إبن دارد که اینها چه کسانی هستند، که در مورد ابن عون ایشان می فرماید اسمش معلوم نیست و توثیق هم نشده، عن بعضهم نیز می شود مرسل به ابهام واسطه، البته این اخبار مورد عمل فقهاء ما می باشد.

خبر سوم: ﴿وعنه عن أبيه وعن محمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان جميعا عن ابن أبي عمير، عن ربعي بن عبد الله، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول في المنفوس إذا تحرك ورث، أنه ربما كان أخرس. (این در مقابل قول عامه است که برای صحیح موضوعیت فائند ولی ما می گوئیم فقط علامت است و در واقع قید غالبی است نه قید احترازی).﴾^۳

دو نصفه سند ذکر شده و بعد به هم پیوند داده شده به این صورت که؛ کلینی عن علی بن ابراهیم عن ابيه و کلینی عن محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان جميعا عن ابن ابی عمیر عن ربعی بن عبد الله که همگی موثق هستند.

خبر چهارم: ﴿وعنه عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن ربعي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: في السقط إذا سقط من بطن أمه فتحرك تحركا بينا: يرث ويورث فإنه ربما كان أخرس.﴾^۴

خبر پنجم: ﴿وباسناده (شيخ طوسي) عن محمد بن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۶، ابواب فرائض و موارث، باب ۷، حدیث ۲، ط الإسلامية.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۶، ابواب فرائض و موارث، باب ۷، حدیث ۳، ط الإسلامية.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۷، ابواب فرائض و موارث، باب ۷، حدیث ۴، ط الإسلامية.

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۶، ابواب فرائض و موارث، باب ۷، حدیث ۱، ط الإسلامية.

لا یصلی علی المنفوس (ما قائلیم بچه تا شش سالش نباشد نماز خواندن بر جنازه او واجب نیست ولی عامه قائلند همینکه به دنیا آمد در صورتی که مُرد واجب است بر او نماز خوانده شود) وهو المولود الذی لم یستهل ولم یصح، ولم یورث من الدیة ولا من غیرها، فإذا استهل فصل علیه (طبق فتوای عامه) وورثه.^۵

خبر ششم: ﴿وباسنادہ﴾ (شیخ طوسی) عن الحسن بن مُجَدِّ بن سماعة، عن مُجَدِّ بن زیاد، عن عبد الله ابن سنان، عن أبي عبد الله علیه السلام فی المنفوس لا یرث من الدیة شیئا حتی یصح ویسمع صوته.^۶

خبر سنداً صحیح است.

خبر هفتم: ﴿وعنه عن صفوان، عن ابن مسکان، عن أبي بصیر قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: قال أبي عبد الله علیه السلام: إذا تحرك المولود تحركاً بیناً فإنه یرث ویورث فإنه ربما كان أخرس.^۷

بنده در دسته بندی اخبار نوشته ام که در خبر ۳ و ۴ و ۷ و ۸ گفته شده وقتی به دنیا آمد و تحرك بین داشت ارث می برد و در همه این اخبار عبارت "ربما كان أخرس" ذکر شده بنابراین صحیحه زدن یا استهلال میزان نیست و اما در خبر ۵ و ۱ و ۲ استهلال شرط دانسته شده که فقهاء ما اینها را حمل بر قید غالبی کرده اند یعنی مفهوم ندارد و معتبر نیست و مطلق را تقیید نمی کند خلافاً للعامه که می گویند اگر استهلال نکند ارث نمی برد.

ملا محسن فیض کاشانی در کتاب وافی (ملا محسن از علماء بزرگ ما می باشد و آیت الله العظمی آقای

بروجردی نیز عنایت خاصی به کتاب وافی داشتند) بین این دو طائفه از اخبار جمع کرده به اینصورت که آن طائفه از اخبار که می گویند اگر استهلال کند ارث می برد یعنی از دیه می برد و طائفه دیگر که گفته اند اگر استهلال نکند ارث نمی برد یعنی از دیه ارث نمی برد یعنی این را حمل بر دیه کرده که خب این جمع تبرعی است و فقهاء ما اینطور نگفته اند بلکه فرموده اند استهلال قید غالبی است لذا معتبر نیست.

خب و اما در اینجا یک بحث مهمی با صاحب جواهر داریم که در جلد ۳۹ مطالبی را ذکر کرده، ایشان می فرماید اینکه می گوئیم حمل در شکم اگر زنده به دنیا بیاید ارث می برد حالا در طول مدتی که در شکم بوده تا به دنیا بیاید سهمش از مال میت به چه کسی منتقل شده و کلا سهمش چه زمانی به او منتقل شده؟ آیا وقتی در شکم مادر است منتقل شده یا وقتی که زنده به دنیا آمده؟ همچنین نمائات نیز تابع ملک است حالا در این مدت تا اینکه بجوهد به دنیا بیاید نمائات سهم الارث او متعلق به چه کسی خواهد بود؟ اگر بگوئیم الان که متولد شد مالک شده خب نمائات قبلی متعلق به چه کسی بوده؟ اگر بگوئیم در همان زمان که در شکم مادرش بوده مالک شده که خب معلوم نبوده که زنده به دنیا بیاید، که فردا إن شاء الله در این رابطه بحث خواهیم کرد... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُجَدِّ و آله الطاهیرین

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۷، ابواب فرائض و موارث، باب ۷، حدیث ۵، ط الإسلامیة.

^۶ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۷، ابواب فرائض و موارث، باب ۷، حدیث ۶، ط الإسلامیة.

^۷ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۸۷، ابواب فرائض و موارث، باب ۷، حدیث ۷، ط الإسلامیة.